

اعتصاب قدرمند معلمان در ۲۲ و ۲۳ آبان ۹۷ در کردستان! نگذاریم معلمان مبارز را دستگیر کنند!

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری صفحه ۳



بن بستهای هجدهمین "کنگره ملی کرد"

عبدل گلپریان

هجدهمین کنگره عمومی "که نه که" (کنگره ملی کرد) روزهای ۲۶، ۲۷ و ۲۸ ماه اکتبر در شهر بارلو کشور هلند تحت عنوان: "تقویت و آشتی درونی کردستان" برگزار شد. برخی احزاب و جریانات و طیف هایی از جنبش ناسیونالیست هر چهار بخش کردستان نیز در این کنگره شرکت داشتند. در پایان کنگره نقشه عمل استراتژیک (کنگره ملی کرد) اوضاع و احوال عمومی کردستان خوانده شد. صرف نظر از اینکه نقشه عمل استراتژیک کنگره چه مفاد و بندهایی را دست نشان کرده است اما در پایه ای ترین سطح به یک بن بست بنیادی و یک تناقض تاریخی، سیاسی و اجتماعی روبرو است که به آن اشاره میکنم.

در بخشی از خطوط این نقشه عمل استراتژیک به این اشاره شده است که:

"کشاکش نیروهای سیاسی کردستان و دول اشغالگر به مرحله نوینی رسیده که نیازمند توافقی درونی در میان "نیروهای سیاسی کرد" است. هرچند مدام برای یک اتحاد ملی تلاش شده است اما متأسفانه تا کنون نتوانسته است تمامی نیروهای ملی را دور هم جمع کند."

نقشه عمل استراتژیک می افزاید: "بجز کردستان عراق، دولتهای ترکیه، ایران و سوریه، دولتهای اشغالگری هستند که خاک این سه بخش از کردستان را اشغال کرده اند و باید یک جبهه متحد در مقابل این دولتها ایجاد کرد. کردستان عراق که از دولت صفحه ۲

بمناسبت ۲۵ نوامبر روز مبارزه علیه خشونت نسبت به زنان

عزیزه لطف الهی صفحه ۴

اطلاعیه خبری؛

حکومت اسلامی ونهادهای امنیتی در سندج
مانع برگزاری سمینار بررسی وضعیت اجتماعی کودکان شدند

صفحه ۶

محکومیت خلیل کریمی فعال کارگری به یک سال حبس تعزیری!

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری صفحه ۶

اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری

صفحه ۷

اسماعیل بخشی و مسلم آرمنند باید فوراً آزاد شوند

کارگران گروه فولاد اهواز در کنار نیشکر هفت تپه ایستاده اند
نیشکر هفت تپه، ما هستیم، کنار هم می ایستیم

کارگران نیشکر هفت تپه اعتراضشان را به سطح شهر کشاندند
فریاد "مردم شوش، حمایت، حمایت" شهر را فراگرفت

کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی در اعتراض متحد
خانواده های کارگران نیز وارد میدان میشوند

فرخوان به کارگران و مردم خوزستان

نگاه هفته:

مجموعه اخبار و گزارشات هفته
از شهرهای کردستان

نسان نودینیان صفحه ۵

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

عزیزه لطف الهی صفحه ۶

در حاشیه یک عکس

عبدل گلپریان صفحه ۱۰

بیانیه سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه
پیرامون بازداشت کارگران
نه تهدید نه زندان دیگر اثر ندارد!

صفحه ۱۰

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ **بن بستهای هجدهمین...**

عبدل گلپریان

اقلیم برخوردار است، باید با تمام توان خاک کردستان عراق و شهر کرکوک را از گزند دولت مرکزی عراق حفظ کند. دولتهای منطقه همیشه تلاش کرده اند نیروها و احزاب متعدد در کنگره ملی کرد را برای تامین منافع خود بکار بگیرند و الی آخر...

مفاد و بندهای سطحی تری که بعنوان انجام اقدامات عملی در این نقشه استراتژیک آمده است موضوع این نوشته نیست.

.....

ناتوانی در ایجاد يك صف متحد در میان احزاب عضو "کنگره ملی کرد" یعنی "تقویت و آشتی درونی کردستان" (که معنی درستتر آن "تقویت و آشتی احزاب عضو کنگره ملی کرد" است) و تبدیل شدن به ابزاری برای دولتهای منطقه، آن دو مولفه ای است که کنگره به آن اشاره دارد. اینجا به این دو جنبه خواهیم پرداخت.

همانطور که در بالا اشاره شد، این کنگره در نقشه عمل استراتژیک خود بروشنی بر این مسئله تاکید دارد که: "کنگره های پیشین نیز تا کنون قادر نبوده است نیروها و احزاب عضو این کنگره را زیر يك سقف بطور متحد بخط کند" و از سوی دیگر به این مسئله می پردازد که: "دولتها، بویژه دول منطقه مدام تلاش کرده اند که احزاب عضو این کنگره را برای تامین و تحقق اهداف و منافع خود بکار بگیرند."

بیان این دو مورد در "کنگره ملی کرد" علاوه بر اینکه نقش و رسالت واقعی و تاریخی احزاب تشکیل دهنده این کنگره را بیان میکنند بلکه نشاندهنده بن بست عمیق سیاست، افق و استراتژی احزاب شرکت کننده در این کنگره است که چاره ای جز تبدیل شدن به ابزاری در دستان دول منطقه برایشان باقی نگذاشته است.

عدم موفقیت این کنگره و کنگره های پیشین جریانات ناسیونالیست کرد برای دست یابی به ایجاد صفی يك دست و متحد امری اراده گرایانه و دلخواهی نیست که با دادن امتیاز يك یا چند حزب به احزاب دیگر متحقق شود. (اگر "کنگره ملی کرد" در اوت ۲۰۱۳ با شرکت ۳۹ حزب و سازمان در قامتی بزرگتر و با فراخوان مسعود بارزانی در قامت دولت اقلیم قادر نشد اندک انسجامی در میان احزاب تشکیل دهنده آن ایجاد کند و نهایتاً بشکست کشیده شد، هجدهمین "کنگره ملی کرد" با شرکت احزابی انگشت شمار تک رقمی، متفرق و متخاصم یکدیگر بطریق اولی از چنین پتانسیلی برخوردار نیست.)

این کنگره دخیل بستن به دولتهای منطقه و قرار گرفتنشان در شکافهای منطقه را عاملی در جهت یکدست ظاهر نشدنشان ارزیابی میکند. در اینکه این جریانات بدون دل بستن به بالا و دولتهای منطقه بجایی نخواهند رسید قابل انکار نیست. استراتژی همیشگی این نیروها حداقل طی نیم قرن اخیر چنین بوده است. اما این کل ماجرا نیست. عدم موفقیت و عدم انسجامی که احزاب ناسیونالیست عضو "کنگره ملی کرد" با آن در پایه ای ترین سطح روبرو هستند این است که نه تنها آرزوهای متحقق نشده آنان با توقعات و آرمانهای امروز مردم در بخشهای مختلف کردستان خوانایی ندارد بلکه افق و چشم انداز آنان با منافع مردم کردستان در تضاد قرار دارد. همین امر سبب شده است که به دولتها و سیاستهای آنان در شکافهای منطقه ای دل ببندند.

از سوی دیگر آنان در دایره ای سرگردان بدور خود میچرخند و از نبود يك خط واحد و یکدست می نالند. دلایل پایه ای این عدم انسجام و سردرگمی آنان را بر بستر شرایط و اوضاع تاریخی، بافت اجتماعی - طبقاتی و سیاسی - اقتصادی هر بخش از کردستان که کاملاً متفاوت از یکدیگر هستند باید توضیح داد. این همان پایه و ستون اصلی صورت مسئله است که احزاب شرکت کننده در "کنگره ملی کرد" را با تناقضی

عمیق و ریشه ای برای دست یابی به صفی واحد روبرو ساخته است.

توقعات عمومی مردم ستمدیده و کارگر استعمار شده ساکن در هر چهار بخش کردستان که دورنمایشان مبارزه برای تحقق جامعه ای آزاد، برابر و مرفه است، یکی دیگر از عوامل شکست "کنگره ملی کرد" است. آرزوهای مردم ساکن در هر گوشه ای از کردستان در پایه ای ترین سطح و منطبق بر معیارهای عصر حاضر، عمیقاً متفاوت از افق، اهداف و سیاست احزاب شرکت کننده در "کنگره ملی کرد" است. احزاب عضو در "کنگره ملی کرد" بر مبنای شاخصهای نیمه اول قرن گذشته برای رسیدن بقدرت محلی تلاش میکنند. شاخصهایی که امروز بسیار عقبتر از آندوران از نظر سیاسی و ساختار حاکمیت در اشکال قومی و طایفه ای بروز پیدا کرده است و این در حالی است که مردم ساکن مناطق کرد نشین خواهان بازگرداندن حرمت و کرامت جهانشمول انسانی و برخورداری از يك زندگی شایسته انسان امروز هستند.

این را باید یکبار دیگر تاکید کرد که در دوران استعمار، احزاب و نیروهای ناسیونالیست برای توسعه اقتصادی جغرافیای خود تلاش میکردند در قالب "ملت واحد" دست دول خارجی را از به اصطلاح سرزمین خود کوتاه کنند. تملک اقتصادی را برای رشد و شکوفایی محدوده جغرافیایی بیرون آورده شده از زیر سیطره استعمار و عقب زدن فتوئالیسم، خود بر عهده بگیرند. حاکمیت و ایجاد ساختارهای منطق با تملک اقتصادی ایجاد کنند، سرمایه داری را توسعه دهند و در جامعه جهانی از سوی دولتهای دیگر برسمیت شناخته شوند. این پروسه اقتصادی و تاریخی در آن ایام موضوعیت داشت در حالیکه تاریخ این نوع مجاهدتها در نیمه اول قرن بیست به این سو بتدریج پایان یافت. با همه گیر شدن سرمایه داری در همه جای کره زمین و در دورافتاده ترین دهات و در شرایطی که نظام سرمایه داری نوع پیشرفته آن امروز خود به مرحله بن بست، بحران و گنبدگی رسیده است، تلاش و تقلای ناسیونالیسم و رجوع به ساختارهای نوع فدرالی، قومی و

دینی که حتی از افق بورژوازی و ناسیونالیسم اوایل قرن بیست عقب تر است، به استراتژی احزاب ناسیونالیست کرد تبدیل شده است.

نگاهی گذرا در حدود سه دهه از حاکمیت احزاب و نیروهای حاکم بر اقلیم کردستان عراق در تفاوت با زندگی مردم در این بخش از کردستان، این شکاف عمیق در شکل دادن به دو طبقه اصلی را بخوبی نشان میدهد. حکومت اقلیم کردستان عراق الگوی تمام عیار "کنگره ملی کرد" است که به استراتژی و نقطه امیدی برای همه احزاب ناسیونالیست کرد در دیگر بخشهای کردستان تبدیل شده است. تلاش برای تحقق چنین سناریوی امتحان پس داده ای و فاصله عمیق این احزاب با آرزوهای مردم ساکن در دیگر بخشهای کردستان، آنان را ناچار کرده است که علیرغم صفوف درهم ریخته شان، تحقق آرزوهای خیالی خود را با صف کشیدن در قطب دول منطقه بجایی برسانند. بر این اساس است که کنگره ملی کرد در نقشه عمل خود به این ادعای دارد که نقطه اتکالی آنان تا به امروز دولتهای منطقه بوده است.

استراتژی احزاب متشکل در "کنگره ملی کرد" دست یابی به الگوی طالبانی و بارزانی است. نتیجه عملی این استراتژی یعنی بخشهای دیگر کردستان را به قهقرا بردن، یعنی تقسیم بندی شهروندان بر اساس قوم، قبیله، دین و دهها علائم و نشانه خود ساخته و خانمان برانداختن دیگر توسط احزاب ناسیونالیست کرد، یعنی کپی برداری از حکومت اقلیم کردستان، یعنی تحمیل فقر و فلاکت بر مردمانی که تا قبل از آن از سوی حکومت مرکزی مورد ظلم، ستم و نابرابری قرار داشتند و بعد از تحقق فدرالیسم قومی، اینبار ستم و نابرابری توسط حکومت "خودی و محلی" اعمال شود. تمامی این تلاشها، از برگزاری کنگره ها و نشستها گرفته تا صف کشیدن برای جای گرفتن در رقابت و کنشکشی دولتهای منطقه فقط برای رسیدن به آرمانها و آرزوهای از دست رفته این احزاب بمنظور قرار گرفتن در قدرت، تقسیم ثروت و هستی مردم بین احزاب این جنبش و تحقق آرزویی است که رسالت تاریخی آن مدتها

است پایان رسیده است.

رفع ستم ملی

تلاش احزاب ناسیونالیست کرد با ادعای رفع ستم ملی، نه رفع ستم ملی است و نه پایان دادن به آن بلکه افق استراتژی، سیاست و عملکرد تاکنونی شان ماندگار نمودن اعمال ستم و نابرابری بر شهروندان است. تاریخ حاکمیت احزاب حاکم بر کردستان عراق سندی روشن و غیرقابل انکار در این زمینه است. از مقطع بقدرت رسیدن احزاب ناسیونالیست کرد بر کردستان عراق، دیگر پدیده ای بنام ستم ملی وجود ندارد چرا که حکومت "خودی" نزدیک به سه دهه است بر اریکه قدرت تکبیه زده و اداره امور کردستان عراق در دست حکومت مرکزی قرار نداشته است که بر "ملت کرد" در کردستان عراق ستم روا داشته شود اما در عوض به یمن وجود احزاب ناسیونالیست حاکم بر کردستان عراق، ستم ملی به استعمار و ستم طبقاتی تغییر شیفت پیدا کرده است. این همان استراتژی و چشم اندازی است که "کنگره ملی کرد" برای بخشهای دیگر کردستان دم دست گذاشته است.

از منظر مردم کردستان راه رفع ستم ملی یعنی تضمین اجرایی و قانونی حقوق برابر شهروندی از سوی دولت برخاسته از اراده مردم و یا هر دولتی که بر سر کار باشد. این تنها مسیری است که خواست مشترک تمامی شهروندان در بخشهای کردستان بوده است.

آیا اگر در فردای سرنگونی حکومت اسلامی مردم کردستان ایران در يك فراندوم آزاد و تحت نظارت سازمانهای بین المللی با تضمین اجرایی و قانونی از سوی حکومت برآمده از انقلاب برای احقاق حقوق شهروندی به مانند در چهارچوب ایران رای دادند، احزاب ناسیونالیست کرد کماکان برای تحقق فدرالیسم قومی خود در مقابل رای مردم خواهند ایستاد یا آنرا برسمیت خواهند شناخت؟ و آیا به روی دفاتر و مراکز شوراهای منتخب مردم و کارگران در کردستان اسلحه نخواهند کشید؟ اینها سئوالات روشنی هستند که احزاب و جریانات ناسیونالیست کرد لازم است رو به جامعه و رو به مردم به

اعتصاب قدرمند معلمان در ۲۲ و ۲۳ آبان ۹۷ در کردستان! نگذاریم معلمان مبارز را دستگیر کنند!

جنبش اعتراضی در اشکال اعتصاب و راه پیمایی و میتینگ و سخنرانی است که در ده ها مراکز کارگری و ده ها شهر از شش دی ماه نود و شش، شعله ور شده و میروند تا بساط حاکم حکومت اسلامی را برچینند.

در روزهای اخیر دستگیری معلمان در شهرهای کردستان توسط نهادهای امنیتی و اطلاعاتی حکومت اسلامی شروع شده. امید شاه محمدی از شهرستان دیواندره بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل کرده اند. با هجوم به خانی اسکندر لطفی در شهرستان مروان گویی ولپتاب شخصی اش را ضبط و خودش را فردای آن شب به سنندج احضار و تحت فشار و بازجویی نیروهای امنیتی قرار داده اند.

پرونده قبلی مربوط به تحصن سراسری ۲۲ و ۲۳ مهرماه، ۶ نفر از معلمان سقز با نامهای طاهر-قادرزاده، سلیمان عبدی، خالد عبداللهی، احمد قادری، حامد یزدانی و سیدعلی حسینی را که قبلا توسط دادیار دادگاه سقز مخومه اعلام شده و رای نهایی مبنی بر تبرئه از اتهام انتصابی صادر شده بود تحت تاثیر فشار و اعمال سلیقه های شخصی تنی چند از مدیران شهری بر دادستانی، پرونده را مفتوح نموده و آن را آماده ارائتی حکم قاضی جدید می نمایند!!!

علیه دستگیری معلمان مبارز و انقلابی بایستیم. اعتصاب و راه پیمایی عمومی برای ممانعت از دستگیری ها و تجمعات اعتراضی را سازماندهی کنیم. نگذاریم معلمان مبارز و انقلابی این جبهه یار و یاور مردم را سرکوب دستگیر کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران مردم کردستان را به اعتراض عمومی برای آزادی دستگیر شدگان و جلوگیری از دستگیری های بیشتر فرامیخواند. اعتصاب قدرتمند معلمان در کردستان نقطه قدرت چپ و سوسیالیسم در کردستان است. خواستهای سراسری و اعتصاب سراسری خود نیز ویژگی های اعتراض و همسرنوشتی طبقاتی کارگران و معلمان در سطح سراسری را تقویت میکند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران به صدها معلم مبارز و انقلابی که در روزهای ۲۲ و ۲۳ آبان اعتصاب سراسری را قدرتمندانه به پیروز رساندند، صمیمانه درود میفرستد. و از هزاران دانش آموز در سطوح مختلف و والدینشان صمیمانه قدرانی میکند که در این اعتصابات همواره یار و یاور و حمایت کننده اعتصاب معلمان بوده اند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ آبان ۱۳۹۷

۱۸ نوامبر ۲۰۱۸

دومین اعتصاب سراسری معلمان بفرخوان "شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان" در ۲۲ و ۲۳ آبان ۹۷ با استقبال قدرتمند معلمان در کردستان در مناطق (دیواندره، سقز، سنندج، مروان، بوکان، مهاباد و بانه) در دهها مدرسه، با شرکت صدها نفر از معلمان، برگزار شد.

طبق گزارشهای منتشر شده در سقز بیش از ۸۰ درصد از مدارس دراعتصاب شرکت کردند. در مدارس مقطع متوسطه و راهنمایی اعتصاب برگزار شد از جمله در هنرستان بیدهنندی، تیزهوشان بهشتی، آزادگان، اندیشه، فارابی، نمونه فجر، پروین اعتصابی، امام خمینی، شاهد هوشمند، نمونه الزهرا، طالقانی، آتیا، حضرت زینب، ستوده، و... و در مقطع راهنمایی صلاح الدین ایوبی، توحید، امام شافعی و... حمایت دانش آموزان از اعتصاب بسیار بالا و بویژه در روز ۲۳ آبان اکثریت فریب به اتفاق دانش آموزان از اعتصاب و خواستهای معلمان حمایت کردند.

مروان: در روز ۲۲ آبان ماه بیش از ۳۰۰ نفر از معلمین مروان در بیش از ۳۰ آموزشگاه این شهرستان مشارکت داشتند و در روز ۲۳ آبان ماه هم بیش از ۲۵۰ نفر در حدود ۲۵ آموزشگاه این شهرستان مشارکت داشتند. مشارکت خانم ها در طی هر دو روز بسیار پررنگ بود و تقریباً نیمی از متحصنین خانم ها بودند. در تعدادی از مدارس اولیای دانش آموزان همبستگی خود را با معلمین اعلام داشتند. حضور تعدادی از بازنشستگان در مدارس و اعلام همبستگی با شاغلین گامی به جلو بود در جهت تحقق اهداف و مطالبات به حق فرهنگیان.

در مروان معلمان اعتصابی تجمعی چند ساعته در مقابل اداره آموزش و پرورش این شهر برگزار کردند و خواستهای اعتصاب سراسری را در تجمع اعتراضی مطرح کردند.

اولین اعتصاب سراسری معلمان در ۲۲ و ۲۳ مهر برگزار شد.

خواستهای اعتصابات معلمان در مهر و آبان ما طبقاتی و با منافع کارگران و مردم به تنگ آمده از حکومت اسلامی منطبق است. آزادی همکاران و معلمان زندانی، رفع تبعیض، داشتن امنیت شغلی، برخورداری از بیمه فراگیر، مدارس امن و استاندارد علمی و یک نظام آموزشی رایگان برای همگان مهمترین چالشهای اعتراضی - مبارزاتی مردم در سطح سراسری علیه دولت و حکومت اسلامی بوده و هستند، در اعتصابات ۲۲ و ۲۳ مهر و در اعتصاب ۲۲ و ۲۳ آبان معلمان پرچم این خواستها را بلند کرده اند. این خواستها برآمده از

مدتهاست که بر ماهیت و پیشانی مبارزاتشان رنگ و بوی طبقاتی حک شده است. مردم ساکن در هر چهار بخش کردستان امروز دیگر بر اساس معیارهای یک زندگی شایسته انسان قرن بیست و یک، برای برخورداری از یک زندگی برابر، مرفه، آزاد، امن و منطبق بر معیارهای مدرن غربی به آینده خود مینگرند.

بطریق اولی جنبش کارگری، جنبشهای چپ، رادیکال و کمونیسم اجتماعی در کردستان ایران و فضای اجتماعی اعتراضی تنیده شده در همسرنوشتی با مردم سراسر کشور، الگوی پیشرو، انسانی و منطبق با معیارهای عصر حاضر را بعنوان افق مردم دیگر بخشهای کردستان دم دست گذاشته است. تلاش و مبارزه مردم و کارگران در کردستان عراق علیه حاکمیت احزاب ناسیونالیست و اسلامی، فضا و سیمای مبارزه آنان و تلاش برای تامین و تحقق یک زندگی انسانی است. افق، اهداف، سیاست و استراتژی جریانات و احزاب متشکل در "کنگره ملی کرد" با آرزوهای مردم، با توقعات و مطالبات کارگر در هر گوشه ای از کردستان عمیقاً بیگانه است و این همان حلقه اصلی است که افق و استراتژی احزاب عضو "کنگره ملی کرد" و دیگر جریانات ناسیونالیست بیرون از این جبهه را بلاجبار متفرق، پراکنده و به ابزاری برای معادلات دولتهای منطقه تبدیل کرده است.

۲۶ آبان ۹۷

۱۷ نوامبر ۲۰۱۸

آنها جواب دهند. با توجه به نکاتی که اشاره شد، استراتژی احزاب متشکل در "کنگره ملی کرد" نه پایان دادن به ستم و نابرابری بر مردم کردستان است و نه در راستای آرزوهای مردم کردستان با معیارهای قرن بیست و یک است. همانگونه که در نقشه عمل استراتژی آنان مستتر است، بر این امر تاکید دارند که باید دولت اشغالگر از هر سه بخش کردستان خارج شده و سپس در یک مصالحه، بند و بست و ساخت و پاخت با همان "دولت اشغالگر" در هر بخش، همان سناریویی را پیش ببرند که بارزانی، طالبانی و دیگر احزاب ناسیونالیست و اسلامی حاکم بر اقلیم کردستان تا به امروز اجرا کرده و به پیش برده اند.

قبایی که سالهاست "کنگره ملی کرد" و احزاب متشکل در آن برای جامعه کردستان دوخته اند، نه بدرد میخورند، نه ممکن و عملی است و نه برآورنده مردم متمسکن، مترقی، آزادیخواه و برابری طلب در هیچ یک از بخشهای کردستان است. قبایی استراتژیک "کنگره ملی کرد" از نظر تاریخی، اقتصادی و هم از لحاظ سیاسی، اجتماعی هیچگونه تناسب و تقارنی با افق و آرزوهای انسانی و مدرن مردم کردستان ندارد. این تنها یکی از دلایل اصلی تشتت و درهم ریختگی صفوف احزاب ناسیونالیست کرد و تبدیل شدن به ابزار دولتهای منطقه است که "کنگره ملی کرد" در کنگره اخیرش به آن اذعان دارد.

جامعه کردستان در هر چهار بخش آن عمیقاً پولاریزه شده و



اهم خواست های معلمان

تحصیل رایگان، درمان رایگان، افزایش حقوق بالای ۶ میلیون، آزادی معلمان زندانی، ایمن سازی مدارس، کیفیت بهتر آموزشی، لغو خصوصی سازی و کالایی کردن آموزش، بازگرداندن میلیاردها تومان ذخیره صندوق معلمان که به تاراج رفته است. در یک کلام معلمان به فقر و گرانی و بی حقوقی و فساد و بساط دزدسالار اسلامی اعتراض دارند.

بمناسبت ۲۵ نوامبر روز مبارزه علیه خشونت نسبت به زنان



عزیزه لطف الهی

روز ۲۵ نوامبر از سوی سازمان ملل متعهد روز جهانی رفع خشونت علیه زنان نام گرفته است و هدف از آن مبارزه با خشونت علیه زنان است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۷ اکتبر ۱۹۹۹ نامگذاری این روز را به عنوان روزی جهانی تصویب کرد.

این تاریخ به خاطر ترور "سه خواهر میرابال"، فعالان سیاسی اهل جمهوری دومینیکن در سال ۱۹۶۰ انتخاب شده است. این سه خواهر در زمان مبارزه با "رافائل تروخیو"، دیکتاتور اهل دومینیکن، توسط عوامل او به قتل رسیدند.

برآوردهای جهانی نشان می دهد که به ازای هر ۳ زن ۱ نفر در طول زندگی خود حداقل یکبار خشونت جسمی یا جنسی را تجربه می کند.

بخش بزرگی از این خشونتها از سوی شرکای جنسی و همسران زنان به آنان تحمیل می شود. حدود ۳۰ درصد از زنانی که در طول زندگیشان روابط عاطفی و زناشویی را داشته اند، فرمهای گوناگونی از خشونت از سوی شرکای زندگیشان را گزارش کرده اند.

خشونت علیه زنان می تواند اثرات منفی بر سلامت جسمی، روانی، جنسی و باروری آنان اثر بگذارد و زندگی آنان را به انواع مختلف تحت تاثیر قرار دهد.

در ایران برای سرکوب هرچه بیشتر زنان تلاش دارند نیروی عظیم زنان را بیش از پیش بیشتر خانه نشین کرده و به نقشهای سنتی بچهداری و خانه داری بازگردانند. اخراج زنان از مناصب بالای شغلی و ممنوعیت بعضی رشتههای تحصیل دانشگاهی برای آنها و در دسترس

قرار ندادن وسایل جلوگیری از حاملگی و سختگیری بسیار در به دست آوردن این امکانات، هم چنین ممنوعیت شدید سقط جنین همگی در راستای این سیاست است. در شرایطی که بحران اقتصادی در جامعه بیداد می کند تشدید مناسبات پدر/مردسالارانه در خانواده بیشترین فشار را بر زنان وارد ساخته و وضعیت بسیار هولناکی را برای آنها به وجود آورده است.

البته باید بر روی این حقیقت انگشت گذاشت، رشد خشونت علیه زنان تنها به کشورهایی که زیر آموزه های اسلام هستند خلاصه نمی شود. خشونت بر زنان در کشورهای پیشرفته سرمایه داری نیز بسیار گسترش یافته است. در آمریکا هر ساله هزاران زن به وسیله همسر یا دوستپسر فعلی و یا سابق به قتل می رسند و در هر دقیقه یک تجاوز صورت می گیرد. ابعاد

تن فروشی در سیستم سرمایه داری آنچنان گسترش یافته که در تاریخ بشر سابقه نداشته است. طبق اعلام سازمان ملل، ۳۰ میلیون زن در تجارت سکس کار می کنند و سالانه یک میلیون زن و کودک در جهان وارد این تجارت می شوند. صنعت سکس و پورنو که یکی از پرسودترین صنایع بعد از اسلحه سازی و مواد مخدر است، سالانه میلیاردها دلار به جیب سرمایه دارانی می ریزد که زندگی میلیونها زن و کودک را

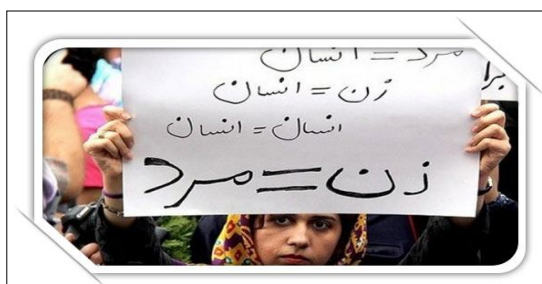
تحت کنترل خود درآورده و مورد بهره کشی قرار می دهند. پورنوگرافی که با استفاده از آخرین وسایل ارتباط جمعی تمام افکار جامعه را به تسلط خود درآورده و با آن روسپی سازی هم می کند، باعث شده تا هرچه بیشتر از زنان انسان زدایی شود و آنان را به یک ابژه جنسی فرو می کاهد. از هر ۸ سایت اینترنتی، یک سایت پورنوگرافی است که بنا به گفته یک سرور، ۸۰ درصد

بازدیدکنندگان هم به همان سایت پورنو مراجعه می کنند. سردمداران این «صنعت» کثیف نشتها هزاران زن و کودک را مرتباً مورد تجاوز، خشونت و قتل قرار می دهند بلکه از طریق تبلیغ پورنو به اشکال گوناگون به عمیق تر شدن فرهنگ زن ستیز و تسری آن به کل جامعه مشغول اند.

راه چاره زنانی که با هیولای قانون، فرهنگ و سنتهای مرد سالار و ضد انسانی مواجه هستند خودکشی و تحمیل کشتن نیست. تحمیل خودکشی و اتخاذ آن بعنوان خلاص شدن از فشارهای فکری و روحی یعنی میدان دادن به همین فجایع علیه زنان. راهکار ایستادگی و مبارزه در مقابل همین باورهای عهد عتیقی است که دسته دسته زنان را قربانی خود می کند. جسارت و شهامت در تعرض به فرهنگ اسلامی مرد سالار در موارد زیادی قدرت، توان و جریره

زنان و مردانی که در دفاع از حقوق برابر زن و مرد تلاش کرده و می کنند را بالا برده و بر محیط پیرامون تاثیر مثبت گذاشته است. رواج و گسترش روحیه مبارزاتی برای عقب نشانیدن سنتها و فرهنگ ضد زن در هر جایی، وظیفه زنان و مردانی است که می توانند با اعتماد بنفس در جهت شکل دادن و متحد کردن دیگران برای مبارزه ای بی امان علیه قوانین و فرهنگ ناموس پرستی، تحمیل خودکشی را حاشیه ای کنند. راه چاره نهایی اما کنار زدن سیستم و دم و دستگاه حاکم و مدافع این قوانین ارتجاعی و جایگزین کردن آن با جامعه ای آزاد، برابر و انسانی است. این دنیای نابرابر و وارونه را باید با قوانین، اقتصاد، سیاست، فرهنگ و سنتهای ضد انسانی اش دگرگون کرد و بر روی قاعده اصلی اش قرار داد.

۲۱ نوامبر ۲۰۱۸



تحصیل رایگان
حق همگان!

آموزش عمومی اجباری و رایگان تا سن ۱۶ سالگی
آموزش عالی رایگان و در دسترس برای همه متقاضیان

آموزش حق همه است و دسترسی افراد به آموزش و دوره های آموزشی باید کاملاً از سطح درآمد خانواده مستقل باشد.

۵/۱/۱

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

دیکتاتورها از آزادی اندیشه وحشت دارند. زیرا پاسدار سلطه اقلیت چپاولگر بر اکثریت مردمند. اولین گام انقلاب مردم در همه جا گشودن در زندانهاست. انقلابی که در ایران آغاز شده با اعلام قانون آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان و تشکل، برای همیشه به دوران زندان و زندانهای سیاسی پایان خواهد داد. با سرنگونی توحش اسلامی سرمایه داران، عزیزان در بند را از چنگ دژخیمان رها خواهیم کرد و جامعه ای انسانی و آزاد و برابر را پی خواهیم ریخت.

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کاری!
حزب کمونیست کارگری ایران





نسان نودینیان

نگاه هفته:

مجموعه اخبار و گزارشات هفته
از شهرهای کردستان

ستون نگاه هفته

روزیست و پنجم نوامبر روز جهانی علیه خشونت نسبت به زنان است. به کارگیری خشونت علیه زنان و در برخی مواقع تا حد مرگ آن هاست. خشونت علیه زنان در کشورهای اسلام زده از جمله ایران وجود دارد.

مبارزه با خشونت در ابعاد وسیع در جهان صورت می گیرد. این خشونت ها نه تنها از سوی دولتمردان که برای نمونه از سوی مردان خانواده و در محل های کار نیز، در اشکالی متفاوت صورت می گیرد. از شیدا از میدیای اجتماعی نوشته ای را در همین رابطه با تیتر "نه بحشونت" منتشر کرده ایم.

در ارتباط با صنعت سکس و سرمایه داری از میدیای اجتماعی نوشته ای را منتشر کرده ام. سه گزارش از اعتصابات ۲۲ و ۲۳ آبان ماه ۹۷ معلمان از شهرهای سقز، مریوان و سنندج در این ستون را منتشر کرده ایم.

نه به خشونت

خواندم که خشونت همیشه چشم کبود و دندان شکسته نیست خشونت اضطرابی است که در جان زن است. من يك زنم زنی که در جامعه مرد سالار همیشه، هر روز و هر لحظه مورد خشم و تبعیض قرار گرفته از حجاب اجباری و محدودیت و سرکوب و سرزنش گرفته تا ترس از کوچک و خیابان و ماشین و متلک و مزاحمت... این وضعیت شده زندگی هر روز ما و بدا به حالمان که عادی شده.

چیزی که در این سالها در اوج شور و شوق جوانی ام همیشه باعث استرس و نگرانی ام شده توهینی است که از جامعه مردسالار نصیب شده.

چرا زنها اینقدر بدبختن که همیشه باید انتظار بکشند؟ چطور يك ازدواج پا می گیرد و این مردها چقدر خودخواهند انگار می خواهند جنس بتجلی را بخزند، هی نگاه می کنند و پا پس می کشند. چکسی حق دیدن، دودوتا چهارتا کردن نظر

دادن و انتخاب کردن را به آنها داده؟ می آیند می بینند نمی پسندند یا يك طرفه باکمال اعتماد بنفس می پسندند. من يك زنم من آدمم می توانم مریض باشم بی حال و گرفته باشم می توانم بعضی وقتا شاد یا غمگین باشم نامرتب باشم و آرایش نکرده من جنس فروشی نیستم ، من کالا نیستم من عروسک مغازه نیستم يك زنم من آدمم. خودم را ساده و راحت دوس دارم ، جانم روانم و فکر و شخصیتم را دوس دارم من را آدم ببینید با همه خوبی ها و بدی ها من جنس فروشی نیستم.

شیدا"

گزارش تحصن ۲۲ و ۲۳ آبان
ماه شهرستان سقز

در پاسخ به فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، در روز اول تحصن؛ شنبه ۲۲ آبان ماه، بیش از ۳۵۰ نفر از معلمان سقز و بخش زیویه در بیشتر از ۴۰ آموزشگاه این شهرستان مشارکت داشتند و در روز دوم، این آمار فراتر رفت بطوریکه در روز چهارشنبه ۲۳ آبان بیش از ۵۰۰ معلم در دفاتر بیش از ۵۰ مدرسه این شهرستان تحصن کردند.

مشارکت همکاران خانم چنان چشمگیر بود که تحسین تمامی معلمان از فعال بودن و مطالبه گری آگاهانه آنان را به دنبال داشت. از نکات قابل توجه اینکه در تعدادی از مدارس، اولیای دانش آموزان همبستگی خود را با معلمان اعلام داشتند و همچنین حضور تعدادی از بازنشستگان در مدارس و اعلام همبستگی با شاغلین، قوت قلبی برای ادامه راه و همبستگی هر چه بیشتر همکاران بود.

این میزان مشارکت در حالی انجام گرفت که روز قبل از تحصن، دادستان سقز در مصاحبای اعلام کرد که به حکم دادیار دادر، مبنی بر تبرئه و قرار منع تعقیب ۶ معلم سقزی که در تحصن مهرماه شرکت کرده بودند، اعتراض میکند! اما معلمان سقز و زیویه با مشارکت بالایشان، بر مطالبه گری قانونی خود

مجددا تاکید کرده و بر درستی حکم اولیه دادیار محترم، صحه گذاشتند.

بنا به گزارشات، عصر روز سه شنبه ۲۲ آبانماه بیشتر مدیران مدارس از جانب اداره به ساختمان اداری احضار شده و جلسه ی توجیهی برای آنان برگزار کرده اند. در این جلسه رئیس اداره و کارشناس حراست، مدیران را جهت به کار بردن هرگونه تلاشی، برای جلوگیری از برگزاری تحصن در روز چهارشنبه ۲۳ آبان ماه ترغیب نموده اند. گزارشهای رسیده از مدارس حاکیست که به جز عده ی قلیلی از مدیران که خارج از شرح وظایف شغلی اشان، به تهدید و اقدام اهانت آمیز مبادرت کرده بودند؛ خوشبختانه سایر مدیران در مدارس متحصن، همراهی و همکاری خوبی با معلمان داشته اند.

آنچنانکه اشاره شد هیچکدام از این اقدامات پیشگیرانه نتوانست مانع از برگزاری تحصن شود و تحصن معلمان مدارس شهرستان سقز با اتحاد و انسجام بسیار مطلوبی برگزار گردید.

قابل توجه اینکه گویا عده ای با اعمال سلیقه های شخصی در صدندند که با انجام عکس العمل های فراقانونی جهت توقف فعالیت های قانونی و حق خواهانه ی فعالین صنفی عمل نمایند اما معلمان سقز اعلام کرده اند در صورتیکه برای معلمان متحصن و فعالان صنفی مشکلی ایجاد شود، ضمن حمایت از آنان، اعتراضات خود را در سطح گسترده تر و با شدت بیشتری ادامه خواهند داد.

گزارش تحصن در سنندج

پیرو فراخوان شورای هماهنگی صنفی فرهنگیان ایران در روزهای ۲۲ و ۲۳ آبان ماه، دومین تحصن سال تحصیلی ۹۸-۹۷ شکل گرفت. در این تحصن ۴۵ آموزشگاه، با مشارکت حداکثری و فعال معلمان، مدیران و معاونین مدارس در سطح شهر سنندج و حومه برگزار گردید .

اهمیت حضور کمی و کیفی زنان در راستای تحقق اهداف جنبش های صنفی و اجتماعی انکارناپذیر می باشد و آنچه که در این تحصن و دیگر اعتراضات چند سال گذشته ی فرهنگیان و به ویژه در سطح سنندج

بسیار چشم گیر بوده است، حضور و دخالت موثر و فعالانه ی معلمان زن است که درصد قابل توجهی از تحصن کنندگان را تشکیل داده و حضور آنان در تجمعات و اعتراضات اخیر، بسیار پررنگ، موثر و برجسته بود .

باید خاطرنشان نمود که حضور راسخ بازنشستگان و شرکت در تحصن در مدارس، تعدادی از اولیاء و اعضای انجمن های مدارس و همچنین دانش آموزان در کنار معلمان خود در مدارس شهر، سنندج، کاتالیزوری برای فرهنگیان شاغل در تاکید هر چه بیشتر بر لزوم پیگیری و تلاش برای رسیدن به مطالبات صنفی بود.

علی رغم فشار نهادهای امنیتی و حراست آموزش و پرورش استان کردستان و تهدید و ارعاب فعالین و تعدادی از معلمان، در عزم راسخ فرهنگیان تزلزلی ایجاد نشد و با قدرتی مضاعف تر از گذشته خواهان اجابت مطالبات برحق خود شدند.

شرکت کنندگان در تحصن فرهنگیان شهر سنندج با در دست داشتن عکس هایی از محمد حبیبی و دیگر معلمان در بند و پلاکاردهایی خواهان مطالباتی از جمله:

- جای معلم کلاس درس است نه زندان، معلمان در بند را آزاد کنید
- محمد حبیبی را آزاد کنید
- آموزش به زبان مادری
- تحصیل رایگان و عمومی
- بدیهی ترین حقوق دانش آموزان در هر کشوری است
- اعتراض به پولی سازی

آموزش

- اعتراض به پایین بودن حقوق و دستمزد سایر اقشار جامعه
- تحصیل در مدارس ایمن و

استاندار

- تحصن و تشکل یابی به عنوان يك حق مسلم
- مطالبه رفع تبعیض از ساختار نظام آموزشی
- اعتراض به غارت صندوق

ذخیره فرهنگیان

- مطالبه بیمه فراگیر و کار آمد

گزارش تحصن مریوان
گزارش تحصن ۲۲ و ۲۳ آبان
ماه شهرستان مریوان

در روز ۲۲ آبان ماه بیش از ۳۰۰ نفر از معلمان مریوان در بیش

از ۳۰ آموزشگاه این شهرستان مشارکت داشتند و در روز ۲۳ آبان ماه هم بیش از ۲۵۰ نفر در حدود ۲۵ آموزشگاه این شهرستان مشارکت داشتند. مشارکت زنان در طی هر دو روز بسیار پررنگ بود و تقریباً نیمی از متحصنین زنان بودند . در تعدادی از مدارس اولیه ی دانش آموزان همبستگی خود را با معلمان اعلام داشتند . حضور تعدادی از بازنشستگان در مدارس و اعلام همبستگی با شاغلین گامی به جلو بود در جهت تحقق اهداف و مطالبات به حق فرهنگیان.

متأسفانه برخورد مدیریت آموزش و پرورش و حراست بسیار نامطلوب بود و با فشار و تهدید مدیران و عوامل اجرایی مدارس تلاش نمودند تحصن شکل نگیرد و این خود عاملی موثر بود که در بسیاری از مدارس از انتشار تصاویر تحصن جلوگیری به عمل آمد و تعدادی از معلمان هم با اجبار و اکراه عوامل آموزشی مدارس در کلاس های درس حاضر شدند . تا لحظه تنظیم گزارش تنها يك مورد برخورد و احضار اسکندر لطفی به اطلاعات سپاه استان گزارش گردیده است فعالان صنفی و معلمان مریوان بر توقف احضار وی تاکید نموده اند.

روز یکشنبه بیست و هفتم آبان ماه، "بریار کاه" ۲۵ ساله اهل روستای "تی" از توابع مریوان که بیست و ششم مهرماه سال جاری از سوی نیروهای اطلاعاتی بازداشت شده بود به زندان مریوان انتقال یافت.

محسن فرمند، حمید پروازه و محمد پروازه که در روستای نی دستگیر شده بودند، همچنان در بازداشتگاه اداره اطلاعات سنندج به

سر می برند

شامگاه روز یکشنبه بیست و هفتم آبان ماه، "سلمان افرا" ۲۲ ساله اهل روستای "تی" پس از احضار به اداره اطلاعات مریوان بازداشت گردید.

"سالار احمدی" ۳۰ ساله شهرستان ثلاث باباجانی از سوی نیروهای اطلاعاتی بازداشت و تا کنون سرنوشت وی در هاله ای از ابهام قرار دارد.

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان عزیزه لطف الهی

انقلاب زنانه خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط زندانیان سیاسی می باشد.

روز پنجشنبه بیست و چهارم آبان ماه، "مادح فتحی" همسر سحر کاظمی فعال مدنی بازداشت شدی "مادح فتحی" همسر سحر کاظمی فعال مدنی بازداشت شده اهل سنندج و مادر وی "مهوش امیری" پنج روز است که در بازداشتگاه اداره اطلاعات این شهر تحت بازجویی می باشد.

یکی از نزدیکان این سه شهروند بازداشت شده اعلام کرد: اداره اطلاعات سنندج از همسر و مادر سحر کاظمی خواسته بود که جهت پاسخ به پاره‌ای از سؤالات آنان به این اداره مراجعه نمایند که پس از مراجعه بازداشت گردیدند. این منبع آگاه اظهار داشت: تا ز دلیل یا دلایل بازداشت همسر و مادر سحر کاظمی فعال مدنی بازداشت شده اطلاع در دسترس نمی باشد و سرنوشت آنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

آبان ماه سال گذشته، مادح فتحی همسر این فعال مدنی توسط نیروهای اطلاعاتی بازداشت و به مدت سه ماه در سلول انفرادی اداره اطلاعات سنندج مورد بازجویی قرار گرفته بود.

روز پنجشنبه هجدهم مردادماه سال جاری، نیروهای اطلاعاتی بدون مجوز قانونی به منزل شخصی سحر

کاظمی یورش بردند و پس از تفتیش منزل، او را بازداشت کردند.

این فعال مدنی در مدت بازداشت از "دسترسی به وکیل و ملاقات با خانواده‌اش" محروم بوده و به بند زنان زندان سنندج منتقل و برای بازجویی نیز به بازداشتگاه اداره اطلاعات منتقل می شود.

خودکشی یک دانش آموز دختر در کهگیلویه و بویراحمد

دوشنبه هفته جاری "سیما دموری" از دانش آموزان شهر لیکک شهرستان بهمئی از توابع استان کهگیلویه و بویراحمد که زیر ۱۸ سال سن داشت، اقدام به خودکشی کرد و جان خود را از دست داد.

یک منبع مطلع گفت: علت خودکشی سیما دموری را اختلافات خانوادگی بوده و گفت که وی شب دوشنبه ۲۱ آبان ماه دست به خودکشی زد و جان خود را از دست داد.

لازم به یادآوری است که روز گذشته نیز دختر جوانی از بالای بام ساختمان مدرسه اقدام به خودکشی کرد و بر روی یکی از معلمان مدرسه افتاد. از علت خودکشی این دختر اطلاعی در دست نیست.

سهام نوجوانان در ایران از خودکشی های سالانه بیش از ۷ درصد از سوی پزشکی قانونی اعلام شده است.

باز خودکشی در ارومیه اینبار یک زن ۶۰ ساله در گلشهر

این سومین خودکشی در عرض چهار روز گذشته در ارومیه است. آخرین خودکشی هماغه صورت گرفته در ارومیه طی چهار روز گذشته:

دختر ۲۲ ساله پرتاب از آپارتمان در شیخ تپه
مرد ۴۵ ساله با خوردن اسید در جاده سرو
زن ۶۰ ساله پرتاب از آپارتمان در گلشهر

مژده رجبی یکی دیگر از بازداشت شدگان اعتراضات مرداد

مژده رجبی یکی دیگر از بازداشت شدگان اعتراضات مرداد ماه تهران است در حال حاضر دوره حبس یکساله خود را در زندان اوین می گذراند. مژده رجبی بعد از گذشت دو ماه بازداشت در زندان قرچک حکم یکساله خود را دریافت کرد. مژده رجبی همراه با صبا کردافشانی و یاسمن آریانی در اعتراضات مرداد ماه تهران بازداشت شد.

آتنا دائمی

به دادسرای اوین احضار شد

آتنا دائمی، کنشگر مدنی محبوس در بند زنان زندان اوین عصر روز سهشنبه ۲۲ آبان ماه توسط مسئولین زندان و بصورت شفاهی برای روز چهارشنبه ۲۳ آبان ماه به شعبه ۵ دادسرای اوین احضار شد. دلیل این احضار به وی گفته نشده، در بسیاری از موارد مشابه این قبیل احضارها به پرونده سازی علیه زندانیان توسط مسئولین زندان یا نهادهای امنیتی منتهی شده است.

زوج معلم بازداشت شده در اراک با قرار کفالت آزاد شدند

دو معلم بازداشتی به نام های فاطمه بهمنی و همسرش محمد کرد که روز یکشنبه ۲۰ آبان ماه در جریان تحصن سراسری معلمان توسط نیروهای امنیتی در شهر اراک بازداشت شده بودند ظهر روز جاری با قرار کفالت و تا پایان مراحل دادرسی آزاد شدند. ***

اطلاعیه خبری؛

حکومت اسلامی و نهادهای امنیتی در سنندج مانع برگزاری سمینار بررسی وضعیت اجتماعی کودکان شدند

امروز ۲۹ آبان فعالین حقوق کودکان در سنندج سمینار بررسی وضعیت اجتماعی کودکان را سازماندهی و از ساعت ۵ بعدازظهر این سمینار درباره "چگونگی شکلگیری کودکان کار و خیابان"، "تاثیر خشونت های کلامی و رفتاری بر کودکان" و "نمایشگاه عکس" برگزار میشود. طبق گزارشهای امنیتی مانع ارسالی نیروهای امنیتی مانع

ورود شرکت کنندگان به سالن شده اند. هم اکنون جمعیت زیادی جلو سالن سمینار جمع شده و یکی از فعالین حقوق کودک در ارتباط با اهداف سمینار برای موضوعهای سمینار برای حاضرین سخنرانی میکند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۲۹ آبان ۱۳۹۷ ۲۰ نوامبر ۲۰۱۸

محکومیت خلیل کریمی فعال کارگری به یک سال حبس تعزیری!

روز ۲۸ آبان ساعت ۹ صبح خلیل کریمی به دنبال احضار به شعبه يك دادگاه انقلاب سنندج که روز گذشته به وی ابلاغ گردیده و از وی خواسته شده بود که حداکثر طی ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ خود را معرفی نماید، در شعبه مذکور حاضر شده که منشی قاضی، صدور حکم غیابی يك سال زندان وی را به اتهام تبلیغ علیه نظام از طریق شرکت در مراسم روز جهانی کارگر و شرکت در کمپین علیه اعدام رامین حسین پناهی (زندانی سیاسی که چندی پیش اعدام شد) به رویت رسانده است.

خلیل کریمی درخواست دریافت حکم کرده اما منشی از تحویل حکم صادره به خلیل کریمی خودداری نموده و اعلام کرده که حکم به هیچ کسی داده نمی شود.

برگرفته از کانال خبری اتحادیه آزاد کارگران ایران

منزلت، معیشت حق مسلم ماست

این فریاد کارگران و معلمان و بازنشستگان ایران در مقابل حکومت توحش اسلامی سرمایه داران است. در عصر پیشرفتهای شگرف بشری، ارتجاع سرمایه داری يك باتلاق متعفن را بنام جامعه بر انسانها حاکم کرده است. این را نمی پذیریم! تحقیر و بی اختیاری و زندگی زیر فقر را پایان خواهیم داد. انقلابی برای اعلام پایان عصر توحش و آغاز جامعه انسانی در ایران به حرکت در آمده است. انقلاب ضد مذهب، انقلاب ضد نابرابری و فقر، انقلاب ضد استثمار و ضد چپاول و ضد ارتجاع حاکم، انقلابی که بر پرچم آن نفی زندان و اعدام و فقر و تبعیض حک شده است. انقلابی که رفاه و آزادی و شادی را برای تک تک افراد جامعه تضمین میکند. کارگران و مردم ایران با شعار منزلت و معیشت و آزادی عزم کرده اند که حاکمیت مفتخوران اسلامی سرمایه دار را برای همیشه از سر جامعه جارو کنند. منزلت و رفاه و آزادی با قدرت انقلاب ما به قانون بی چون و چرای جامعه تبدیل خواهد شد

زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه ای انسانی!
حزب کمونیست کارگری



جنبش عدالت خواهانه مردم ایران با قدرت و صلابت به پیش می رود
و ما برای سرنگونی این حکومت و سازمان دادن یک زندگی عاری از خشونت و
استثمار و نابرابری و یک زندگی بهتر آماده هستیم.

اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری

اسماعیل بخشی و مسلم آرمند
باید فوراً آزاد شوند

روز ۲۷ آبان در پایان تجمع باشکوه کارگران نیشکر هفت تپه و در اوج اعتراض کارگران و ملحق شدن خانواده ها و مردم شهر به اعتراض آنها و در حالیکه همبستگی باشکوهی میان ده هزار کارگر نیشکر و فولاد اهواز شکل گرفته است، رهبران محبوب و خوشنام آنها، اسماعیل بخشی و محسن آرمند، و یک خبرنگار دستگیر شدند.

مقامات و ارگان های قضایی و سرکوبشان به عبث فکر میکنند میتوانند خواست های مردم را نادیده بگیرند، فقر و محرومیت را به مردم تحمیل کنند، بچاپند و بلزدند، حقوق های ناچیز کارگران را بالا بکشند و رهبران مردم را دستگیر کنند و خیالشان از گسترش مبارزات راحت باشد. کور خوانده اند.

اگر سرکوب و دستگیری رهبران کارگری چند دهه قبل میتوانست برای مدتی مردم را عقب براند، اما در شرایط کنونی که اعتصابات کارگری در سراسر کشور رو به گسترش است و مردم هر روز و هر ساعت خشم و اعتراضشان را با اعتصاب و تجمع و تظاهرات نشان میدهند، و حکومت از برآوردن کوچکترین خواست های مردم ناتوان است، سرکوب و دستگیری به خشم و اعتراض وسیعتر مردم تبدیل میشود. کارگران و مردم حق خود میدانند که به وضعیت اسفباری که مشتی مفتخور و جنایتکار به آنها تحمیل کرده اند، اعتراض کنند، اعتصاب کنند، تجمع کنند، راهپیمایی کنند، تحصن کنند، جاده ببندند، شعار بدهند و مردم معترض دیگر را دعوت به همبستگی و اعتصاب و تجمع کنند. کاری که اسماعیل بخشی نماینده محبوب کارگران و شورای کارگران نیشکر کرد.

اسماعیل بخشی و محسن آرمند صدای اعتراض هزاران کارگر نیشکر و صدای اعتراض میلیونها کارگر معترض و خشمگینی هستند که به حقوقهای زیر خط فقر و بیحقوقی و دزدی و اختلاس مفتخورها اعتراض دارند. کارگران نیشکر و خانواده هایشان کوتاه نمیایند. حق خود را میخواهند، دستمزهای خود را میخواهند، آزادی اعتصاب و تجمع و تشکل میخواهند، آزادی فوری رهبران خود را میخواهند و حکومتیان مطمئن باشند که مجبورند تسلیم خواست آنها شوند.

اسماعیل بخشی و محسن آرمند و خبرنگاری که دستگیر شده باید فوراً آزاد شوند. حزب کمونیست کارگری، کارگران و مردم هفت تپه را، کارگران فولاد اهواز و کلیه مراکز کارگری در خوزستان و در سراسر کشور را، کلیه نهادها و تشکل های پیشرو و حق طلب، معلمان و بازنشستگان و دانشجویان را فرامیخواند بیش از پیش خود را در کنار کارگران نیشکر قرار دهند و به دستگیری نمایندگان آنها اعتراض کنند. اعتصاب پیگیرانه و متحدانه کارگران نیشکر یکی از باشکوهترین اعتصابات کارگری در سراسر کشور است که در تاریخ مبارزات حق طلبانه کارگران و مردم بعنوان برگی پرافتخار ثبت خواهد

شد مبارزه ای که با کاردانی اسماعیل بخشی و شورای کارگران هفت تپه حاصل شده است. تقویت این مبارزه، تقویت مبارزه کارگران و کلیه مردم آرایخواه در سراسر کشور است. با مبارزه برای آزادی رهبران کارگران نیشکر این مبارزه را تقویت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ آبان ۱۳۹۷، ۱۸ نوامبر ۲۰۱۸

کارگران گروه فولاد اهواز
در کنار نیشکر هفت تپه ایستاده اند
نیشکر هفت تپه،
ما هستیم، کنار هم می ایستیم

روز ۲۷ آبان اعتصاب و اعتراض کارگران گروه ملی فولاد اهواز وارد نهمین روز خود شد. از آغاز این روز کارگران گروه فولاد اهواز در مقابل استانداری این شهر تجمع کردند و با شعار "نیشکر هفت تپه ما هستیم ما هستیم کنار هم می ایستیم" همبستگی شورانگیز خود را با کارگران هفت تپه اعلام کردند. بدین ترتیب دو اعتصاب بزرگ با هزاران کارگران در کنار هم با قدرت به پیش میروند و لحظاتی فراموش نشدنی از اتحاد و همبستگی کارگری را حول خود شکل داده است. در حرکت امروز نیز همانند روزهای قبل کارگران گروه ملی با کف زدن و پای کویدین شعارهای اعتراضی شان را فریاد زده و کل بساط چپاول و دزدی و توحش سرمایه داری حاکم را به چالش کشیدند. شعارهای کارگران در این روز عبارت بودند از: "کشور ما دزد خونه است توی جهان نمونه است"، "اینهمه بی عدالتی هرگز ندیده ملت"، "فولاد هفت تپه اتحاد اتحاد"، "همدستای مافیای استاندار وفرماندار"، "نه تهدید، نه زندان، دیگه فایده نداره"، "کارگر معلم اتحاد اتحاد"، "کارگر میمیرد ذلت نمی پذیرد"، "دشمن ما همین جاست، دروغ میگن آمریکاست"

کارگران گروه ملی فولاد اهواز خواهان پرداخت بموقع دستمزدها، داشتن حق تشکل و روشن شدن اختلاس های پشت پرده و راه اندازی تولید و امنیت شغلی شان هستند. این کارگران اعلام کرده اند که تا پاسخ به خواسته هایشان از جمله پرداخت کامل طلبها، به راه افتادن خطوط تولید و کنار رفتن خطر بیکار سازی ها به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد. از اعتراضات و خواسته های کارگران گروه ملی فولاد اهواز فعالانه پشتیبانی کنیم.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراهای کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ آبان ۱۳۹۷، ۱۸ نوامبر ۲۰۱۸

تمامی معلمان دستگیر شده
باید بی قید و شرط آزاد شوند!

معلمان بار دیگر در روزهای ۲۲ و ۲۳ آبان دست به اعتصاب سراسری زدن و در بیش از ۵۰ شهر و دهها روستا در سر کلاسها حاضر نشدند. معلمان با تجمع در دفاتر مدارس، و با در دست گرفتن پلاکاردهای اعتراضی، مطالبات بحق خود را بیان کردند و مورد حمایت دانش آموزان و خانواده های آنها قرار گرفتند.

اعتراض معلمان بار دیگر با واکنش سرکوبگرانه حکومت اسلامی روبرو شد. بنا به گزارش شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان، تاکنون ۱۳ نفر از معلمان معترض را بازداشت و بیش از ۳۰ معلم را به مراکز اطلاعات سپاه و حراست و پلیس امنیتی احضار کرده اند. محمدرضا رمضانزاده، سعید حق پرست، علی فروتن، حمیدرضا رجایی، حسین رمضانپور، محمد رباطی، اعظمی، پیروز نامی، علی کروشوات، محمد علی زحمتکش، محمد کرد و فاطمه بهمنی در زمره بازداشت شدگان هستند. حزب کمونیست کارگری دستگیری و احضار معلمان و امنیتی کردن مبارزات معلمان را شدیداً محکوم میکند. حزب خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط تمام دستگیر شدگان و پایان دادن به هر گونه فشار امنیتی به معلمان معترض است.

معلمان خواهان افزایش دستمزد ها و مزایای خود هستند. معلمان، کارگران و تمامی زحمتکشان جامعه باید از یک زندگی انسانی و مرفه برخوردار باشند. حداقل دستمزد باید کفاف یک زندگی انسانی با معیارها و شاخص های قرن بیست و یکم باشد. معلمان خواهان لغو پروژه خصوصی سازی و پولی سازی مدارس و آموزش رایگان برای همگان هستند. تحصیل و آموزش امتیازی نیست که خریداری شود، برعکس یک حق اولیه و همگانی در جامعه است. حزب کمونیست کارگری قاطعانه از خواسته های برحق و انسانی معلمان سراسر کشور دفاع میکند و همه مردم را به دفاع از اعتراضات و خواسته های برحق آنها فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری برای جامعه ای مبارزه میکند که اعتراض حق ابتدایی و بی قید و شرط تمام شهروندان جامعه است. آزادی بی قید و شرط است. جامعه ای که در آن زندانی نیست، زندانی سیاسی نیست. جامعه ای که در آن برخورداری از آموزش و بیمه و درمان رایگان و مناسب حق پایه ای همگان است. جامعه ای که بر مبنای رفاه و خوشبختی همگان سازمان یافته است. کسی محروم نیست، کودکی در خیابانها به دنبال تامین معاش نیست، فقیر و محرومی نیست. جامعه ای که دست مذهب از حاکمیت و آموزش و پرورش و دستگاه قضایی کوتاه شده است. جامعه ای آزاد و برابر و مرفه و انسانی!

زنده باد مبارزات حق طلبانه معلمان

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ آبان ۱۳۹۷، ۱۵ نوامبر ۲۰۱۸

کارگران نیشکر هفت تپه
اعتراضشان را به سطح شهر گشادند
فریاد مردم شوش،
حمایت، حمایت شهر را فراگرفت

از ساعات اولیه روز پنجشنبه ۲۴ آبانماه ۹۷ با وجود بارش باران شدید کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه در شماری گسترده مقابل فرمانداری شهرستان شوش تجمع کردند. سپس چند هزار کارگر معترض این کارخانه بصورت راهپیمایی و

از صفحه ۷ اطلاعیه های حزب...

شعار گویان، اعتراض خود را به سطح شهر کشانده و با شعار "مردم شوش، حمایت، حمایت" مردم شهر را به حمایت از اعتراضاتشان فراخواندند. با توجه به اینکه دو اعتراض کارگری قدرتمند هفته تپه و گروه ملی در کنار هم به جلو میروند، در این روز بار دیگر کارگران نیشکر هفت تپه شعار "هفت تپه، فولاد، پیوندتان مبارک" را سر دادند و بر همبستگی اعتراضات تاکید کردند.

یک خواست فوری کارگران نیشکر هفت تپه پایان دادن به مالکیت بخش خصوصی و اداره این شرکت تحت نظارت شورای مستقل کارگران و بر ملا شدن دزدی های پشت پرده ایست که کارخانه را با بحران و تعطیلی تولید روبرو ساخته است. این وضعیت اشتغال هزاران کارگر را به خطر انداخته است. کارگران نیشکر هفت تپه همچنین خواستار پرداخت فوری سه ماه دستمزد معوقه، ایمنی محیط کار و دانسی شدن قراردادهای کاری و داشتن حق تشکل هستند.

دیگر شعارهای اعتراضی کارگران نیشکر هفت تپه در این حرکت از جمله عبارتند بوند از "نه تهدید، نه زندان دیگر اثر ندارد"، "سوریه را رها کن فکری بحال ما کن"، "کارگر میبیرد ذلت نمی پذیرد".

امروز یادزهمین روز اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه است و آنها در آخر حرکت اعتراضی امروزشان یکصدا فریاد زدند که تا زسیلین به خواستهایشان به اعتراض ادامه خواهند داد.

به میدان آمدن خانواده ها در اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه و اتکای آنان به شورای مستقل خود و اراده جمعی شان در مجمع عمومی، اعلام همبستگی با دیگر کارگران از جمله گروه ملی که با دردهای مشترکی در اعتراضند و فراخوان به مردم شوش برای حمایت از مبارزات و خواستهایشان، نقاط قدرت این اعتراض قدرتمند کارگری است. مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه شایسته وسیعترین حمایت هاست.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

زنده باد شورای مستقل کارگران نیشکر هفت تپه

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ آبان ۱۳۹۷، ۱۵ نوامبر ۲۰۱۸

کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی در اعتراض متعدد خانواده های کارگران نیز وارد میدان میشوند



روز ۲۶ آبان کارگران نیشکر هفت تپه در مقابل فرمانداری شوش و گروه ملی فولاد اهواز در مقابل فرمانداری همزمان تجمع داشتند. یک تحول مهم در این دو حرکت اعتراضی، حضور چشمگیر خانواده ها در تجمع کارگران نیشکر هفت تپه به فراخوان نمایندگان کارگران است. کارگران گروه ملی فولاد اهواز در این روز با شعارهای "نیشکر هفت تپه، ما هستیم"، "فولاد، هفت تپه، اتحاد، اتحاد" پاسخ فراخوان کارگران هفت

تپه به همبستگی وسیع کارگری با مبارزاتشان را دادند. بدین ترتیب ۶ هزار کارگر هفت تپه و ۴ هزار کارگر گروه ملی با همبستگی شورانگیز خود یک گام تاریخی برداشتند و حضور صدها تن از اعضای خانواده های کارگری هفت تپه نیز به این جنبش فضای شورانگیز و بازتاب گسترده ای داده است.

در این روز اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه وارد سیزدهمین روز خود شد و کارگران با خانواده هایشان تجمع بزرگی در برابر فرمانداری برپا کردند و با شعار دادن مردم را به حمایت و همبستگی فراخواندند. سیل کارگران معترض سپس در سطح شهر به حرکت درآمدند و شعارهای کوبنده شان فضای شهر را فرا گرفت. از جمله شعارهای کارگران عبارت بود از "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر"، "مسئول بی لیاقت، نمیخواهیم، نمیخواهیم"

در تجمع مقابل فرمانداری یوسف بهمنی و اسماعیل بخشی از نمایندگان شورای کارگران طی سخنانی بر خواستهای کارگران تاکید کردند. اسماعیل بخشی در سخنرانی اش به اختلاس ها و وضعیت مشقت بار زندگی و معیشتی که به آنها و کارگران فولاد اهواز و همه جامعه تحمیل شده اشاره کرد و تاکید کرد که دولت در قبال این وضعیت مسئول است و باید بابت این همه خسارتی که وارد شده از جمله بابت تعویق پرداخت ۴ ماه مزد به کارگران هفت تپه خسارت پرداخت شود. تاکید بر خسارت تاخیر به کارگران یک تاکید بجاست و حکومت موظف است بخاطر خسارات و لطمات وارد شده به کارگران غرامت پرداخت کند. سخنان اسماعیل بخشی و تاکید او بر اینکه "همه کسانی که در اختلاس ها دست دارند باید محاکمه شوند"، با کف زدن ممتد کارگران پاسخ گرفت. یک لحظه با شکوه دیگر این حرکت اعتراضی پیوستن دانش آموزان یکی از مدارس به تجمع کارگران هفت تپه در مقابل فرمانداری و اعلام همبستگی با آنان بود.

همزمان با تجمع کارگران نیشکر هفت تپه، کارگران گروه ملی فولاد اهواز نیز در مقابل فرمانداری این شهر تجمع داشتند. شعارهای کارگران گروه ملی در این حرکت اعتراضی عبارت بودند از: "این همه بی عدالتی هرگز ندیده ملت"، "کشور ما دزد خونه است توی جهان نمونه است"، "نه حاکم نه دولت نیستن به فکر ملت"، "نه تهدید، نه زندان دیگه فایده نداره"، "تورم گرانی پاسخ بده روحانی"، "دشمن ما همینجاست دروغ میگن امریکاس".

کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی با شعارهای اعتراضی خود بطور واقعی صدای اعتراض کل کارگران و همه مردم هستند. خواستها و اعتراض مشترکی این دو حرکت اعتراضی کارگری را محکم به هم پیوند داده و کنار هم قرار داده است. این کارگران در اعتراض به تعویق پرداخت ۴ ماه مزد، از کار افتادن خطوط تولید کارخانه و تهدید بیکارسازیها، اعتراض به بساط دزدسالاری حاکم که وضعیت این کارخانجات را به چنین روز سیاهی کشانده است و نیز در اعتراض به گرانی ها و افزایش سراسر آور و هر روزه قیمت ها، این چنین قدرتمند به میدان آمده اند. نیشکر هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز دو کانون داغ اعتراضی و دو الگو برای تمام کارگران و همه جامعه هستند. اتکای این کارگران به قدرت شورای کارگری و مجمع عمومی شان و به میدان آمدن خانواده ها در این اعتراضات و بلند کردن پرچم همبستگی کارگری از سوی آنان، این کارگران را امروز در پیشاپیش صف اعتراضات کارگری قرار داده است.

حزب با تمام قوا از خواستها و مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی حمایت میکند. حزب بر همبستگی کارگران در سراسر ایران و بویژه بر همبستگی کارگران در استان خوزستان با مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی

تاکید میکند. پیوستن همه کارگران به این اعتراضات، و اعتصابات با خواست پرداخت فوری دستمزدها و افزایش دستمزدها در گام اول به بالای خط فقر ۶ میلیون تومانی یک ضرورت فوری است. ادامه حضور هرچه گسترده تر خانواده های کارگران در اعتراضات یک فاکتور مهم در موفقیت این مبارزات است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ آبان ۱۳۹۷، ۱۷ نوامبر ۲۰۱۸

فراخوان به کارگران و مردم خوزستان



کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز اعتراضات و اعتصاب قدرتمندی را همراه با تجمع و راهپیمایی به پیش میبرند. خانواده های کارگران نیشکر و از جمله دانش آموزان هفت تپه به تجمعات پیوسته اند. هماهنگی قابل توجهی در میان کارگران اعتصابی در هفت تپه و اهواز شکل گرفته است. کارگران فریاد میزنند فولاد، هفت تپه اتحاد اتحاد. حکومت گارد ویژه را سراغ کارگران هفت تپه فرستاده است اما کارگران به اعتراض ادامه میدهند.

این دو اعتصاب و حضور وسیع خانواده ها تا همینجا دستاورد مبارزاتی مهمی نه فقط برای کارگران این دو شرکت بلکه یک پیشروی مهم و شورانگیز برای کلیه کارگران در سراسر کشور و برای همه مردم است. این اعتصابات اعتراض به فقر و دستمزدهای زیر خط فقر است، اعتراضی است به گرانی و محرومیت، اعتراضی که باید مورد پشتیبانی همه مردم قرار گیرد. در روزهای گذشته مردم شهر شاورر، کشاورزان شوش و حومه، کارگران شرکت قند شوش، جوانان روستای مالک اشتر و کارگران گروه ملی فولاد اهواز با پیام های خود از کارگران هفت تپه حمایت کرده اند و مردم شوش در کنار کارگران هفت تپه قرار گرفته اند. این همبستگی را باید تقویت کرد.

حزب کمونیست کارگری از کارگران در سراسر کشور و بطور مشخص کارگران مراکز کارگری در اهواز و شوش و سایر شهرهای خوزستان، کارگران نفت و پتروشیمی ها، لوله سازی و کشت و صنعت و از کلیه معلمان و بخش های دیگر مردم معترض میخواهد که به هر شکل میتوانند از کارگران اعتصابی هفت تپه و فولاد حمایت کنند و با تقویت این اعتصابات، مانع دخالت ارگان های سرکوب و دستگیری کارگران شوند و این دو اعتصاب بزرگ کارگری را با موجی از همبستگی به موفقیت برسانند. اعتراض به فقر، به نپرداختن دستمزدها و به کل شرایط غیر قابل تحملی که سرمایه داران و حاکمین اسلامی به کارگران تحمیل کرده اند حق بدیهی و پایه ای کارگران است. ما با حرکت متحدانه خود میتوانیم در برابر مفتخوران حاکم بایستیم و از حقوق و زندگی انسانی خود دفاع کنیم. با عزم و اتحاد خود میتوانیم آنها را عقب برانیم و راه دیگری برای دفاع از زندگی مان در چشم انداز نیست. اعتصاب سراسری در خوزستان یک شکل مهم همبستگی با کارگران فولاد و نیشکر است.

اطلاعیه های حزب...

از صفحه ۸

زنده اعتصاب متحدانه کارگران فولاد اهواز

و نیشکر هفت تپه

پیش به سوی اعتصابات سراسری

پیش به سوی ایجاد شوراهای کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ آبان ۱۳۹۷، ۱۷ نوامبر ۲۰۱۸

حرکت وسیع و خشمگین کارگران هفت تپه برای آزادی رهبران سیل حمایت شورانگیز از کارگران نیشکر هفت تپه

امروز نیز یکی از روزهای تاریخی و بیاد ماندنی مبارزه کارگران و مردم بود. بدنبال دستگیری اسماعیل بخشی و تعداد دیگری از نمایندگان کارگران گروه نیشکر هفت تپه، کارگران این مجتمع بزرگ کارگری در پانزدهمین روز اعتراضشان با شعار "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، به خیابان آمدند و در حالیکه سیل جمعیت مردم شوش آنها را همراهی میکردند در سطح شهر دست به راهپیمایی زدند. طنین شعارها شهر را به تکان در آورده بود.

از صبح زود کارگران گروه گروه با اتوبوس و ماشین های شخصی برای تجمع و اعتراض به طرف فرمانداری شهر در حرکت بودند. ماشین های کارگران هفت تپه با کف زدن و استقبال گرم مردمی که منتظر آنان بودند روبرو شد. همچنین از قبل شمار زیادی از مردم شوش در برابر فرمانداری جمع شده بودند که به جمع کارگران پیوستند. بدین ترتیب جمعیت بزرگی از کارگران هفت تپه، خانواده ها و مردم شوش در مقابل فرمانداری گرد آمدند. شعارهای "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "اسماعیل را گرفتند ما همه بخشی هستیم"، "بخشی را آزاد کنید، بخشی را آزاد کنید، ما همه بخشی هستیم!"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد با صدای رسا فریاد زده میشود. سیل جمعیت خشمگین با شعارهای اعتراضی و آزادیخواهانه در شهر به حرکت درآمد. بر سیل جمعیت هر دم افزوده میشود و مغازه داران نیز مغازه های خود را به نشانه اعتراض بستند و بسیاری از آنها به جمعیت پیوستند. امروز اتحاد و همبستگی بخشهای مختلف مردم علیه حاکمین و مفتخوران را میشد بوضوح دید. کارگران، معلمان، دانشجویان، دانش آموزان با دست نوشته

هایی در حمایت از کارگران بازداشتی نیشکر هفت تپه همراه با جمعیت حرکت میکردند و فریاد میزدند و شعار میدادند و عزم خود را برای ادامه مبارزه ابراز میکردند. جمعیت خشمگین شعار میداد "کارگر میمیرد ذلت نمی پذیرد"، "اینهمه بی عدالتی هرگز ندیده ملت"، "کارگرا اسیرن، دزدا راحت در میرن" و شعارهای دیگری که حاکی از خشم و عصبانیت مردم از نیروهای انتظامی و سیستم حاکم بود.

سپس جمعیت بطرف دادگاه اسلامی حرکت کردند و در آنجا با فریاد "کارگر زندانی آزاد باید گردد" اعتراضات ادامه یافت. در این روز گروهی از کارگران نیشکر هفت تپه به نشانه اعتراض به سانسور خبری "ستاد خبری شوش" در برابر دفتر این روزنامه تجمع کردند و به سکوت این نهاد اعتراض کردند.

همزمان با تجمع کارگران همراه با حضور و حمایت گسترده مردم شوش، در اهواز نیز کارگران گروه ملی فولاد اهواز مقابل استانداری با شعار "زندانی هفت تپه آزاد باید گردد" تجمع داشتند. کارگران گروه ملی در راهپیمایی خود شعار میدادند "ما کارگران فولاد علیه ظلم و بیاد میجنگیم میجنگیم"، "کارگر میمیرد ذلت نمیپذیرد" "مافیا خدایی میکنه کارگر گدایی میکنه". در این تجمع یکی از کارگران در مورد ادامه اعتراضشان و اینکه تا تولید به راه نیفتد و دستمزهایشان پرداخت نشود و تا آزادی کارگران بازداشتی هفت تپه به اعتراضشان ادامه خواهند داد، سخن گفت و با کف زدن جمعیت روبرو شد. در لحظه ای شورانگیز در این تجمع يك معلم زن برای کارگران سخن گفت. او حمایت خود بعنوان يك معلم را از اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه، گروه ملی، هیکو، عسلویه و همه کارگرانی که امروز با مشکلاتی مشابه در اعتراضند اعلام کرد و بر آزادی کارگران بازداشتی هفت تپه تاکید نمود.

در این روز همچنین گروهی از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی در تهران در اعتراض به دستگیری کارگران نیشکر هفت تپه تجمع کردند و بیانیه ای را در حمایت از خواستها و اعتراضات کارگران قرائت کردند. جمعی از کارگران عسلویه نیز در ابتکاری جالب با ارسال کلیپی همبستگی خود را با کمپین حمایت از کارگران هفت تپه اعلام کرده اند. از سوی دیگر در همین فاصله کوتاه طوماری اعتراضی با بیش از ۲۰۰ امضاء از سوی فعالین کارگری در حمایت از کارگران نیشکر هفت انتشار یافت و این حرکت اعتراضی ادامه دارد. همچنین دهها وکیل طی نامه ای ضمن بر حق دانستن تجمع کارگران نیشکر

هفت تپه برای خواستهای و مطالباتشان، خواستار پاسخگویی به معضلات کارگران نیشکر هفت تپه شده اند. علاوه جمعی از کارگران فصلی و مهاجر دماوند و کارگران قند اهواز همبستگی خود را با کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند. گروهی از کارگران کارخانه هپکو نیز با در دست گرفتن بنر و پلاکاردی که بر روی آن نوشته شده است "ما از کارگران هفت تپه، حمایت میکنیم" با مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه اعلام همبستگی کردند.

یادآوری کنیم که روز گذشته بدنبال تجمع اعتراضی قهرتمند و با شکوه کارگران نیشکر هفت تپه در مقابل فرمانداری شوش تمامی اعضای مجمع نمایندگان شورای کارگران نیشکر هفت تپه و چند فعال کارگری به همراه يك خبرنگار به اسم سپیده غلبان بازداشت شدند. اسامی کارگران بازداشت شده عبارتند از: اسماعیل بخشی، محمد خنیفر، محسن آرمند، پویا بشمه، سعید منصور، جلیل احمدی، عظیم سرخه، مهدی داوودی، سعید الکثیر، علیزاده، امید آزادی، سید حسن فاضلی، صمیر احمدی، سلامات نیا، عماد کثیر، محمود سعدی، خالد تمیمی، ایمان اختری.

اتحاد و همبستگی ای که امروز در حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه و برای آزادی اسماعیل بخشی و همه کارگران دستگیر شده عملی شد بسیار مهم و فراموش نشدنی است. این همبستگی را باید در سراسر کشور با کارگران نیشکر هفت تپه نشان داد و برای آزادی همه کارگران تلاش کرد. جمهوری اسلامی باید بداند که با دستگیری رهبران و نمایندگان محبوب کارگران، میخی بر تابوت خود میزند و خشم همه مردم را برای سرنگونی این حکومت عمیق تر میکند و عزم آنها را جزم تر مینماید. حزب کمونیست کارگری همه کارگران، معلمان، پرستاران، و دانشجویان و مردم آزادیخواه را به اعتراض متحدانه و وسیع به دستگیری نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه و همچنین حمایت از اعتراضات و خواستهای کارگران گروه ملی فولاد اهواز فرا میخواند. کارگران حق دارند به حقوقهای زیر خط فقر و نا امنی شغلی و شرایط ناهنجار کاری خود اعتراض کنند. اعتراض کردن و تلاش برای دستیابی به زندگی انسانی حق تک تک مردم است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ آبان ۱۳۹۷، ۱۹ نوامبر ۲۰۱۸

اسماعیل بخشی و کلیه کارگران زندانی هفت تپه



باید فوراً آزاد شوند

شوراهای سازماندهی اعتراضات را در همه جا ایجاد کنیم

حکومت اسلامی آشکارا مستاصل است و در بحران لاعلاج دست و پا میزند. توان کنترل جامعه به شکل سابق را ندارد. مردم نیز نشان داده اند که تحمل این شرایط را ندارند. باید مبارزات مان را سازمان یافته و سراسری کنیم.

یک ابزار مهم هدایت و سازماندهی مبارزات در این شرایط، شوراهای سازماندهی اعتراضات است. شوراهای سازماندهی میتوانند در همه محلات و شهرها ایجاد شوند و اعتراضات مردم را رهبری کنند، مردم را حول خواست های سیاسی و رفاهی و حول خواست های آزادیخواهانه و عدالت طلبانه متحد نگهدارند و نقش رهبری میدانی مردم را بعهده بگیرند.

اکنون وقت سازماندهی اعتراضات شهری در سراسر کشور است.

حزب کمونیست کارگری فعالین سیاسی و اجتماعی و فعالین و رهبران کارگری و جوانان معترض را فرامیخواند در هر شهر و محلی که میتواند، شوراهای سازماندهی اعتراضات را ایجاد کند، جوانان و مردم معترض و پر شور را در این شوراها جمع کند و با استفاده از روابط و امکانات خود و با استفاده از مدیای اجتماعی حلقه تماس خود با مردم شهر را گسترش دهند.

زنده باد شورای سازماندهی اعتراضات در سراسر کشور

پیش به سوی ایجاد شوراهای کارگری

در حاشیه یک عکس

عبدل کلیریان

اخیرا عکسی از عبدالله مهتدی در کنار مایک پمپو وزیر خارجه دولت آمریکا منتشر شده است که واکنشهای زیادی در میان کاربران را با خود به همراه داشته است.

این واکنشها در اصطلاح نقد مهتدی با واژه هایی چون، "خیانت کار"، "توکر آمریکا"، "جیره خوار عربستان"، و دهها عبارت از این دست او را بدرقه کرده اند.

اینکه مهتدی در دایره سیاستهای دولت عربستان و حضور همیشگی در دلانهای کاخ سفید در آمد و رفت است ابدا چیز تازه ای نیست. طی نزدیک به دو دهه اخیر امر مهتدی همین بوده است. هر چند تنها او نیست که در آمد و رفت است بلکه افراد دیگری چون مصطفی هجری از حزب دمکرات کردستان ایران، خالد عزیزی از حزب دمکرات کردستان، افراد و عناصری از سازمان زحمتکش و نمایندگان و سخنگوییان ناسیونالیسم فارس در کنار سخنگوییان احزاب ناسیونالیسم کرد، کاری جز این نداشته اند. حضور در جمع نمایندگان بورژوازی و دولتهای جنایتکار الزاما میتواند به معنی ملحق شدن به آنان نباشد. هر چند موارد سران احزاب ناسیونالیسم فارس، کرد، ترک و غیره از این قاعده مستثنی است و در دنیای امروز تمامی این دیدارها نه در خدمت به مردم بلکه درست در تقابل با آرمانهای انسانی مردم است.

چکوارا در صحن سازمان ملل در کنار صندلی کیفیت ترین مهره های سرمایه داری دهه شصت میلادی نشست اما در محل سخنرانی در مقابل همه آنان ایستاد و بنمایندگی از طرف مردم کوبا و مردم دیگر جهان سخن گفت. یا مثلا عکس از مذاکره نمایندگان بلشویکیها با فاشیستی ترین حکومت قرن بیستم یعنی آلمان هیتلری برای پایان دادن به جنگ آیا این جای ایراد؟ ابدا اینطور نیست. فردا هم ممکن است رهبر و یا نماینده یک حزب انقلابی که در آن کشور معین انقلاب سوسیالیستی انجام شده باشد به مذاکره با پدیده ای همچون ترامپ بنشیند و بر سر عدم دخالتگری و یورش نظامی به آن کشور سخن بگوید و از منافع کارگران و مردم آن کشور دفاع کند و دهها عکس هم از آنان گرفته شود. میخوام بگویم عکس دو یا چند نفره مسئله اصلی نیست بلکه مهم این است در دنیای واقعی بطور علنی و از منظر افکار عمومی در نشست با جنایتکارترین مهره های تاریخ بر سر چه چیزی چانه میزنی و مذاکره میکنی. مورد امثال مهتدی ابدا در دایره

مثالهای فوق نیست بلکه برعکس حضور در کنار سیاستمداران برای خون پاشیدن به مردم کردستان است. مثال از چکوارا و بلشویکیها نه مصداق تشبیه آنان به احزاب و جریانات قومی ناسیونالیستی است و نه سره سوزنی به آنان ربط دارد بلکه هدف از آن نشان دادن جایگاه

عکس گرفتن بود.

اینجا خواستم این نکته را یادآوری کنم که منتقلین به مهتدی، امثال او و حضور آنان در کربورهای کاخ سفید متأسفانه کمترین نقدی به افق، اهداف و استراتژی مهتدیا را مد نظر قرار نداده اند که نتیجه آن میتواند تکرار سناریوی یوگوسلاوی باشد.

مهتدی و هر شخصیت سیاسی دیگری در طول تاریخ بطور درخود آدم "خیانتکار"، "توکر صفت"، و "جیره خوار" این دولت و آن دولت نیست بلکه نیازهای یک جنبش معین است که این دست از شخصیتها و افراد را برای تحقق همان استراتژی مورد نظرشان پرورش میدهد.

بدون نقد عمیق و ریشه ای از افق، سیاست و استراتژی ناسیونالیسم قرن بیستم و یک که در قامت قومی طایفه ای برای تحقق فدرالیسم تلاش میکند، نمیتوان این پدیده شوم تاریخ امروز که ظرفیت بخون کشانیدن به جامعه را دارد کنار زد.

مهتدی ها، و دیگر افراد در رهبری احزاب و جریانات ناسیونالیسم کرد و فارس نه دیوانه شده اند و نه خل هستند بلکه اعتقاد عمیق به آرمانهای سناریو سیاهی و خانمان برانداز این جریانات است که مهتدی ها را همچون گلوله توپ به محله های اطراف کاخ سفید پرت میکند.

نقد را از این سر باید دید نه حمله یا پریدن به خود افراد چرا که در صورت عدم وجود مهتدی ها، هجری ها و عزیزی ها، کماکان این دور تسلسل همچنان باقی است.

مگر قاسملو و شرافکندی همین مسیر را در مقطع زمانی خود آنها با حکومت اسلامی دید و بازدید با برخی مقامات آمریکایی طی نکردند؟ اکنون این دو در میان طرفداران جنبش ناسیونالیسم کرد مقدس شمرده میشوند اما میراث داران قاسملو و شرافکندی یعنی هجری ها و عزیزی ها درست راه آنان را ادامه دادند. علت آن این است که کمترین توجه به نقد و افشای ماهیت ناسیونالیسمی که قاسملو و شرافکندی نمایندگی میکردند صورت گرفت.

بنابراین در وهله اول نقد از افراد همانند یک شخصیت حقیقی و حقوقی آب در هاون کوبیدن است باید خط، سیاست، افق و استراتژی که آنان نمایندگی میکنند را زیر ضرب گرفت. نقد و حاشیه ای کردن افق و چشم انداز خونبار ناسیونالیسم قومی کرد، ترک، فارس و غیره میتواند به بند و بست ها از بالای سر مردم، به تبدیل کردن جامعه به دهها قوم و قبیله و نژاد و بالاخره به جلوگیری از خون پاشیدن به جامعه پایان دهد.

۲۰ نوامبر ۲۰۱۸



بیانیه سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه پیرامون بازداشت کارگران نه تهدید نه زندان دیگر اثر ندارد! کارگر زندانی آزاد باید گردد!

کارگران بازداشت شده به جرم اعتراض به بی حقوقی ها و دریافت حقوق حقه خود بازداشت شده اند این کارگران مجرم نیستند، مجرمان و اختلاس گران همچنان آزاد هستند، این افراد نه تنها بازداشت نمی شوند بلکه با دریافت میلییون ها دلار و میلیاردها تومان با ویزای قانونی رهسپار کشور شیطان بزرگ می شوند.

کارگران هفت تپه؛

هم زنجیران،

همکاران کارگر و نمایندگان شما تنها به دلیل حق خواهی توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده اند. این یک خیال واهی است که با دستگیری کارگران و نمایندگان کارگری صدای اعتراض ما خاموش شود.

ما همزمان که خواست و مطالبات مطرح شده را پیگیری می کنیم، باید با اعتراض و تجمع خواستار آزادی فوری تمام بازداشت شده گان باشیم. این تنها بخش کوچکی از شرافت، حرمت و کرامت کارگری ماست که در مقابل این زورگویی ها ایستادگی کنیم. نگذاریم دوستان کارگرممان به بند کشیده شوند.

با تداوم اعتصاب و حضور گسترده خود در خیابان های شوش یک بار دیگر ثابت کنیم که؛ نه تهدید نه زندان دیگر اثر ندارد.

ما اعضای سندیکای کارگری نیشکر هفت تپه ضمن حمایت بی دریغ از تمامی مطالبات کارگران نیشکر هفت تپه، خواستاریم که سریعاً و بی قید و شرط تمام بازداشت شدگان آزاد گردند.

از این طریق از تمامی تشکل ها، سازمان ها، افراد و تمام کسانی که مدافع جنبش طبقه کارگر در ایران هستند، خواستاریم ضمن حمایت از کارگران هفت تپه به هر طریق مناسب برای آزادی کارگران در بند در کنار کارگران هفت تپه قرار گیرند.***

کارگران، زحمتکشان، هم زنجیران، مردم شریف و آگاه در ادامه اعتراضات و اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه، مسئولین! به جای جوابگویی و رسیدگی به خواست و مطالبات کارگران، با ارسال نیروهای یگان ویژه و ضدشورش محل کارخانه را به محاصره خود در آوردند تا شاید صدای کارگران هفت تپه را خاموش سازند.

اما این صدا در مقابل فرمانداری شوش رساتر شد، چرا که تمام هستی و زندگی این کارگران به غارت برده شده و چندین ماه است که همان حداقل مزد بخور و نمیر را دریافت نکرده اند.

در چهاردهمین روز اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه، چند نفر از کارگران و نمایندگان آنها توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند که عبارتند از: ۱- خالد تمیمی ۲- محمد خنیفر ۳- پوریا بشمه ۴- سعید منصوری ۵- جلیل احمدی ۶- عظیم سرخه ۷-

مهدی داوودی ۸- علیرضا ۹- امید آزادی ۱۰- سپیده قلیانی، خبرنگار ۱۱- سید حسن فاضل ۱۲- صمیر احمدی ۱۳- سلامات نیا ۱۴- عماد کثیر ۱۵- محمود صعیدی ۱۶- اسماعیل بخشی ۱۷- مسلم آرمند ۱۸ ایمان اختری

در روزهای گذشته ما شاهد حمایت معلمان، دانشجویان، کارگران فولاد اهواز، کارگران هپکو، زنان و کودکان و بازاریان شهر شوش... بوده ایم که در این همبستگی ما را همراهی کرده اند. در تداوم این همبستگی و حمایت ها، ما از تمامی کارگران و مردم شریف و آگاه شهر شوش خواستاریم همچون گذشته حمایت های خود را ادامه داده و ضمن پشتیبانی ازخواست و مطالبه کارگران هفت تپه، خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران بازداشت شده باشند.

کارگران، زحمتکشان، مردم شریف و آگاه شما همگی اطلاع دارید که دور جدید اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به حقوق های پرداخت نشده و اعتراض به خصوصی سازی، پانزده همین روز خود را پشت سر گذاشته است.

بر اساس توطئه های پشت پرده (ژن های برتر) مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه به افرادی واگذار شده است که نه تنها نتوانستند رونقی در این مرکز کارگری ایجاد کنند بلکه بر اساس منافع و خصلت سودپرستانه خود، منابع موجود در هفت تپه را به غارت برده اند.

در اختیار گرفتن هزاران هکتار زمین حاصلخیز، دریافت وام به مبلغ ۸۰۰ میلیون دلار بعبارتی یعنی هشت هزار میلیارد تومان، تنها گوشه ای از دزدی و غارت آشکار توسط "ژن های برتر" است.

کارگران هفت تپه بیش از نیم قرن است با خون و دل، با کار و زحمت و تلاش شبانه روزی از این مرکز کارگری به مانند چشم خود، مواظبت کرده اند تا منبع درآمدی - هر چند ناچیز- برای کارگران شاغل و همچنین منبع درآمدی برای تعداد زیادی از مردم شهر شوش باشد.

اما حرص و طمع، سودپرستی و منفعت پرستی صاحبان سرمایه آنچنان روزگار را بر ما کارگران تنگ کرده است که بر روی دست نوشته ای کودکان ما نوشته می شود "کودک هفت تپه- ایم، گرسنه ایم گرسنه ایم". شرمتان باد.

کودکانی که به جای بازی و شادی کودکانه، بجای تفریح و پایین و بالا پریدن در پارک ها، بجای داشتن مواد غذایی مفید و سالم، بجای یادگیری علم و دانش، باید از همین سنین کودکی با فقر و تنگدستی دست و پنجه نرم کنند!!! براستی شرمتان باد!

زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه ای انسانی!

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!